

حیبت اندر چه است این بیارمن
این کار است و نی هم کار من

کتاب آمد بسور خانه
خاکین نام خاست با زن خانه
گفت صاحب خانه تا اینجا کیست
چیز کی این دکان نام است
گفت با سر پاره بر هم بیاب
گفت آخر نیت دکان قصاص
گفت پاره آورده لیر کرد خدا
گفت پندار که هست این اسباب
گفت آخر نیت جو با مشرعه
هر چه میدر خواست از نان با بوس
چربی میگرد و گفتش فوس
آن کله در رفت و دامن در کشید
اندر آن خانه نشستن چو نیت یار
گفت ای کی گفت در زن لژم
تا درین و برانه خود خاکی کنم
چون در نجابت و جز نیت
اندرین خانه باید ریستن
چون بی باز سر که گیر تو شکار
دست آمد ز شکار شهر یار
بستی طوس با صد نقش و بند
که بنفشه چشم با روشن گفتند
هم نه طوطی که پنجم فذت دهند
کوش مسو گفت شربت دهند

بود مرد کرد خدا اورا زنی
سخت طناز و پلید و ره زنی
هر چه آورد بر تلف کرد پیش زن
مرد مضطرب ماند از نین زدن
بهر مهمان گوشت آورد آن معیل
سور خانه باد و صد جبهه طویل
زن بخوردش با کباب و با نرب
مرد آمد گفت دفع ناصواب
مرد گفتش گوشت گو مهمان رسد
پیش مهمان لوت میساید کشید
گفت آن این کرب خور دیگر گفت
گوشت دیگر ضرر اگر باید ترا
گفت اینک نزار و را بسیار
کر بر امن بر ششم اندر عیار
بر کشیدش بود کرب نیم من
پس گفت آن مرد کی نخاله زن
گوشت نیم من بود افزون یک نبر
هست کرب نیم من هم اسر نبر
این اگر کرب است پس آن گوشت کو
بازید او این بود پس روح جیت
وروی آن روح این تصویر گیت
جیت